

خیالی که نفس می کشد

شاید افسانه های زیادی درباره برخورد نویسندگان بزرگ با شخصیت های داستانی شان شنیده و خوانده باشید(چه بسا بسیاری از آن ها واقعیت داشته باشند). از بالزاک و باباگوربو بگیرد تا وبرجینیا وولف که شخصیت های آثارش را در خانه اش می دید که راه می روند و... برای نوشتن یک شخصیت زنده و گیرا، باید به همین درجه رسید و برای چنین کاری چند تکنیک پیشنهادی هست:



داستان نویسن علی موسوی زاده



نقشمی ازباباگوربو، اثر A. Baulant.

اول از همه، با شخصیت داستانی تان مانوس شوید. یک راه حل ابتکاری برای این موضوع پیدا کردن عکس شخصیت است؛ مخصوصا، امروزه که دسترسی به اطلاعات ساده تر از همیشه است، می توانید تمام اینترنت و سایت ها، مجله ها، نشریات مختلف، کاراکترهای سینمایی و هرچه به دستتان می رسد را شخم بزنید تا عکس شخصیتی که در ذهنتان تصور می کنید را بیابید. این تکنیک چند مزیت مهم دارد. اکثر نویسنده ها، چه مبتدی چه حرفه ای، تا مدت ها، به جای یک تصویر شفاف از شخصیت داستانی شان، سایه ای مبهم و بی چهره از او دارند (مهم است بدانید که این پدیده فی نفسه اشکالی ندارد و چه بسا در جاهایی همین است که کارکرد دارد). اگر این بی چهره بودن شخصیت هدف معنایی و فرمی ندارد، یعنی نویسنده تصور درستی از شخصیت ندارد ذهنش در این باره ضعیف است. برای رفع این معضل، راه حلی که گفته شد بسیار کمک کننده است. عکسش را در گوشی موبایل داشته باشید یا در جایی که می نویسید (مثلا، بالای میز یا روی کمد) بچسبانید تا مدام در میدان دید شما باشد. اگر عکسش را نتوانستید پیدا کنید، نقاشی اش را بکشید، حتی، اگر شده، او را پشت به بیننده بکشید، چون مهم است که بدانید مشغول نوشتن داستان و ماجراهای زندگی همین آدمید. تصویر شخصیت کمکتان می کند تا او را به خودتان نزدیک تر حس کنید.

دوم، سیاهه نویسی دیوانه وار است. مثلا، فرض کنید که شما قرار است ماجراهایی مربوط به یک هفته از زندگی شخصیت را بنویسید؛ قاعدتا، منطقی نیست که اطلاعات مربوط به کودکی یا سال های دور زندگی او را ردیف کنید. اما این پیشنهاد دقیقا برعکسش را می گوید، دقیقا و تحقیقا همین اطلاعات است که به کارتان می آید، همان طور که درباره آدم های واقعی زندگی مان هم صدق می کند. هرچه چیزهایی که درباره آن هایمان دانیم بیشتر باشد، صمیمیتی که با آن ها احساس می کنیم عمیق تر می شود. شاید، زمانی که مشغول نوشتن وقایع آن یک هفته برای شخصیت خیالی داستانتان هستید، لحظاتی پیش بیاید که حرکت و کنش او، اندیشه اش و یا عواطفی که قرار است داشته باشد برای شما مبهم باشد یا حتی شک کنید که این است یا آن. دقیقا در چنین لحظاتی است که آن اطلاعات اضافی به کمکتان می آیند و افقی روشن و زلال از شخصیت را برای شما ترسیم می کند. پس با ولع تمام بنشینید و تند و تند درباره گذشته شخصیت، خانواده اش و تمام تجربیاتی که ممکن است از سر گذرانده باشد بنویسید. اجازه بدهید جغرافیای این آدم برای شما گسترده و گسترده تر شود و هیچ بخشی از آن برای شما در سایه نماند، آن وقت است که تأثیر این توصیه و کارآمدی تکنیکش را با عمق استخوانتان درک خواهید کرد.

سوم، الگوهای رفتاری اش را بسازید. در داستان «رادیکال های آزاد»، از آلیس مونرو، شخصیت «نینا»، چون «شعی» و «دریافت گر» (دواصلاح در تیپ شناسی مایرز و بریگز) است، عینکش را جا می گذارد و مدل کتاب خواندنش به آن شکل خاص توصیف می شود و ابایی ندارد که خارج از قواعد مرسوم رفتار کند و این را در جزئیات کوچک یا رفتارهای مهمش منعکس کند. از این نمونه ها بی شمار مثال هست که بتوانم برایتان ردیف کنم. نکته این است که از الگوی فکرکردن شخصیت داستانتان اطلاع داشته باشید. آن را دقیق بشناسید، و، حتی اگر قرار نیست آن را در متن داستان بیاورید، باهم ریشه های رفتارهای او را شناسایی کنید. این یعنی که شما می دانید این درخت از چه بذری عمل آمده و تلنگری را که طوفان بزرگ را راه انداخته می شناسید، به همین ترتیب، می دانید که یک آدم درون گرا در یک مهمانی چه رفتارهایی ممکن است از خودش نشان بدهد یا کسی که عقده ادیپ دارد در مواجهه با کانون قدرت چه رویکردی ممکن است پیش بگیرد و آن شخصیتی که دچار خودتخریبی حادث است کارش به کجا می رسد....

تمام این ها را روی کاغذ مثل یک الگوی تودرتو ترسیم کنید و ساخت های مختلف شخصیت را براساس همین ریشه ها طراحی کنید تا بدانید این آدم چه جنس الیافی دارد و در مواجهه با هرکدام از عناصر شیمیایی چه واکنشی نشان می دهد. این توصیه شما را بجهان درونی شخصیت آشنایی می کند، آن وقت است که هرجا شخصیت داستانتان از یک اتفاق کوچک که به هم ریخت شمایریشه اش را می دانید، اگر جایی یک جمله از آدمی دور یا نزدیک او را در چاله نشخوار فکری فروبرد، چرایی اش برای شما کاملا روشن خواهد بود. از طرف دیگر، خواندگانی که مطالعات روان شناسی داشته باشند لذت بیشتری از مطالعه داستان شما خواهند برد.

و کسانی که همدات پنداری عمیقی با شخصیت احساس می کنند می توانند عمیقا عواطف و درونیات او را احساس کنند. در چنین وضعیتی، قادر خواهید بود لذت مطالعه را برای مخاطباتان صد چندان کنید.

این توصیه ها ادامه دارند.

با احترام عمیق به جومیا لاهیری که استاد ساختن شخصیت است و همیشه از مطالعه داستان هایش حظ برده ام.

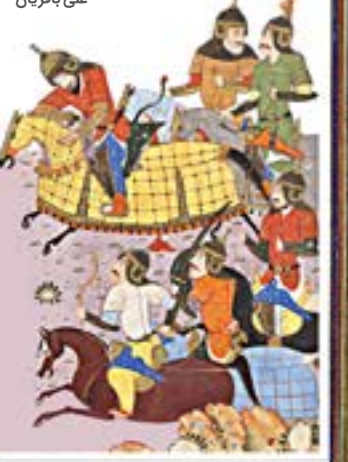
شهریار



فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

دگرشب نمایش کند بیشتر
تورا روشنایی دهد بیشتر
به دو هفته گردد تمام و دُرست
بدان بازگردد که بود از نَخست



بُود هر شب آن گاه باریک تر
به خورشید تابنده نزدیک تر^{۱)}
بدین سان نهدش خداوندِ داد
بُود تا بُود هم بر این یک نهاد^{۱)}

۱- چنان که روشن است، در این ابیات، شاعر سیر تکراری گردش و نمایش ماه را توضیح داده است که ظرف دو هفته، فته رفته، کامل می شود و باز رو به کاستی می گذارد و به محاق می رود. ۲- خدای دادگرمادر چنین آفرید، وماه، تاهست، بر همین روش باشد.

برای شنیدن این ابیات، کدر و بهر ورا اسکن کنید:



سیدسعید میرمحمدصادق، به مناسبت انتشار منظومه هایی در باب فتوحات صفویه، از اهمیت این متون در تاریخ و فرهنگ ایران می گوید

روایت مردمی تاریخ مردانگی

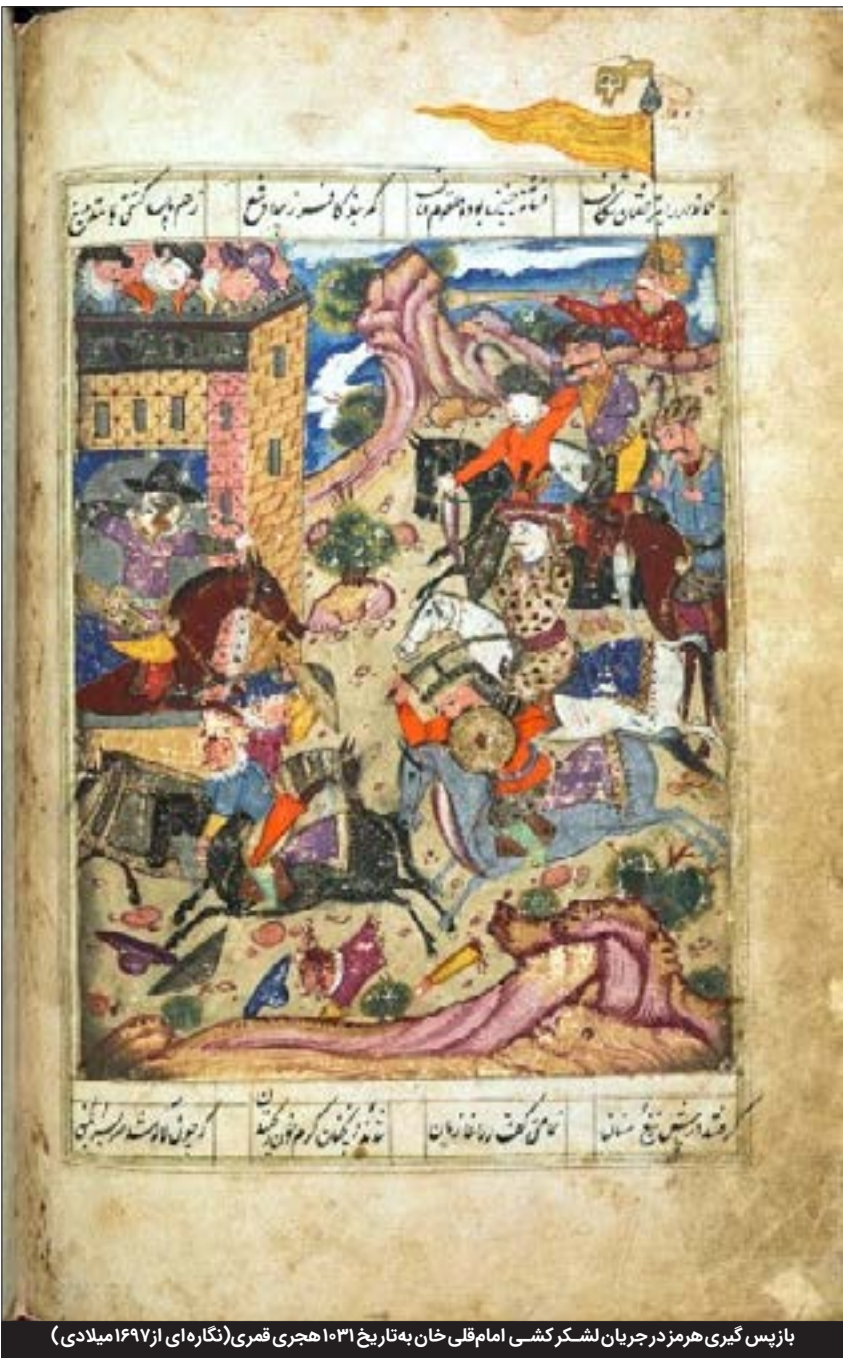
علی باقریان بخشی از تاریخ سرزمین ایران، نه در قالب مکتوبات منشور، که در هیئت منظومه های کوتاه و بلند به دست ما رسیده است؛ از این جمله می توان به «همایون نامه» حکیم زجاجی اشاره کرد که شرح دوره ای از تاریخ اسلام است. این آثار، اگرچه ممکن است از نظر ادبی چندان مایه ور نباشند، اهمیت تاریخی دارند، و بنابراین-حتما باید محل توجه پژوهشگران و علاقه مندان قرار بگیرند. باری، خوشبختانه، در چند روز اخیر، تعدادی دیگر از این منظومه ها، که اتفاقا با حوادث اخیر جهان سیاست مناسبت تام و تمامی دارند، از صورت خطی به شکل چاپی درآمده و در دسترس عموم قرار گرفته اند. آثار اخیر را سید سعید میرمحمدصادق (۱۳۴۸)، پژوهشگر تاریخ ایران، در قالب کتاب «فتوحات صفویه در ایالت فارس و جزایر بحرین، قشم و هرمز، یک کاسه کرده و با حواشی و تعلیقات خود به یازار کتاب عرضه داشته است. به همین مناسبت، در گفت وگویی کوتاه با این تاریخ پژوه، از او خواسته ایم در زمینه این دست آثار دوری روشنتری کند.

● چه تعداد از این منظومه های تاریخی در دست داریم، چاپ شده یا خطی؟ از تعداد این منظومه های تاریخی آماری در دست نیست که ما بدانیم چه تعداد از این منظومه ها در اختیار داریم. باید یک بررسی جامع بشود از طریق فهرست مشترک نسخه های خطی به زبان فارسی؛ براساس آن می شود گفت که ما چه تعداد آثار منظوم تاریخی داریم. بعضی موارد جست و گریخته در جاهای مختلف پیدا می کنیم؛ در دل جنگ ها و مجموعه ها هم آثار منظوم تاریخی هست. استاد مرحوم دکتر ذبیح... صفا در «حماسه سریایی در ایران» یک شرح مستوفایی از این منظومه هایی که جنبه اساطیری یا تاریخی دارند داده اند و آن تعدادی که قابل شمارش بوده بیان کرده اند.

● فارغ از ادعاهای خود گویندگان این منظومه ها، اطلاعاتی که آن ها می دهند چقدر معتبر است و... مثلا- غلو نیست؟ این منظومه ها گزارش هایی است از فتوحات سرداران صفوی که به دستور شاه برای سرکوب شورش و بازپس گیری مناطق از دست دشمن خارجی اقدام کرده اند. مثلا، در فتح نامه شیراز، لار، شمل، تبارو و بحرین، براساس دستوری که شاه عباس می دهد به ا... وردی خان، او به سمت جنوب می آید، به سمت شیراز می آید، و سامان می دهد منطقه شیراز را، و بعد به لار می رود، و همین طور بعدها به شمل و میناب و بحرین. حالا اینکه این گزارش تا چه میزان واقعیت تاریخی دارد، وقتی که همین اطلاعات را با منابع هم عصرش مقایسه می کنیم، معلوم می شود، مثلا با سفرنامه های افرادی که در همان مقطع در سرزمین ایران درحال تردد بوده اند. با اطلاعات آن ها اگر مقایسه کنیم، متوجه می شویم که این سروده های حماسی، صحتشان و درستی شان، قابل تأیید است. این ها را غلو نمی توانیم بشماریم، برای اینکه شرح منظوم آن رخدادند. جنبه حماسی شان قوی است، ولی خب جنبه حماسی را نمی توانیم معادل غلو بشماریم.

به هر حال، این منبع نشان می دهد که لشکر یا سپاه صفوی به چه نحو، از چه طریقی، توانسته آن مناطقی را که طی چند دهه از سرزمین ایران به نوعی جدا شده بود آزاد کند، توانسته، هم از طریق سیاست و مذاکره با کشورهای رقیب پرتغال یا- به تعبیر امروز- «دبیلماسی» و هم از طریق حضور و قدرت نمایی نظامی یا- به تعبیر امروز- «میدان»، پرتغالی ها را به تدریج اول از بحرین، در ۱۰۱۰ قمری، و، در ۱۰۳۱، از قشم و هرمز بیرون براند.

● چه راه های برای سنجش این اطلاعات هست؟ یک راه مقایسه اطلاعات این کتاب ها با منابع هم عصر خودشان است، منابعی که به نثر نوشته شده اند، مثل متون تاریخی این دوره و سفرنامه ها. این دو منبع به خوبی می توانند به ما کمک کنند که متوجه بشویم که اطلاعات این منظومه ها تا چه اندازه درست است و در پژوهش های تاریخی قابل استناد است. دومین رساله این کتاب درباره فتح قشم و هرمز است که اصلش درایتالیا نگهداری می شود. اطلاعاتی که از این رساله به دست می آوریم خیلی نزدیک به گزارش های دو آندردا، آخرین فرمانده پرتغالی در قلعه قشم، است که با ایرانی ها جنگ و شکست می خورد. گزارش هایی که او می دهد از نحوه توافق ایرانی ها با انگلیسی ها



بازپس گیری هرمز در جریان لشکر کشی امام قلی خان به تاریخ ۱۰۳۱ هجری قمری (نگاره ای از ۱۶۹۷ میلادی)

است در وهله اول، مثلا پژوهش درباره اینکه به چه دلیلی، افزون بر منابع تاریخی به نثر، گزارش تاریخی به صورت منظوم داریم، به نظر من، یک دلیل این است که جنبه حماسی موضوع مهم و برجسته بوده، و دلیل دیگر اینکه شعر در حافظه مردم به خوبی جای نشین می شود و مردم می توانند آن واقعه تاریخی را در قالب آن حماسه منظوم در ذهن خودشان تکرار کنند و به نسل های بعد خودشان هم انتقال دهند. احساس من این

● این منظومه ها امروز چه کارکردی دارند؟ کارکرد امروزی منظومه ها بیشتر در حوزه پژوهش

پژوهشی مهم در حوزه خلیج فارس

در ۲۶۳ بیت و درباره بازپس گیری قشم است. نسخه این منظومه در کتابخانه واتیکان است. رساله دوم و سوم همان سروده هایی است که [پیترو] دلاواله [جهان گرد ایتالیایی] آن را از شاعران آثار خریده و با خود به رم برده است.

«فتوحات صفویه در ایالت فارس و جزایر بحرین، قشم و هرمز، نوشته این حسین و دیگران، تصحیح و تحقیق سید سعید میرمحمدصادق، بنیاد موقوفات محمود اشراق و نشر سخن، ۱۴۰۳، ۳۹۲ صفحه، ۵۳۰ هزار تومان.



سیدسعید میرمحمدصادق



است که، اگر گزارشی به صورت منظوم سروده شده، به دلیل همین کارکرد است. در آن دوران، ما شاهد شاهنامه خوانی در قهوه خانه ها هم بوده ایم. پس منظوم کردن رخداد های تاریخی می تواند این کارکرد را داشته باشد که در سطح جامعه بهتر و بیشتر گسترده بشود. نکته دیگر هم این است که این تواریخ منظوم، بخشی شان، توسط کسانی پدید آمده اند که در دربار حضور نداشته اند و مورخ و وقایع نگار و رویداد نگار رسمی دربار نبوده اند. ایشان، باتوجه به اینکه در آن رخداد تاریخی حضور داشته اند-حالا چه به صورت یک فرد نظامی چه به عنوان مردم بومی منطقه-و شاهد این ماجراها بوده اند، از باب ذوقی که داشته اند، آن وقایع را به صورت نظم درآورده اند که الان به عنوان یک میراث مهم تاریخی- نظامی در اختیار ما قرار گرفته است.

● درباره کارکرد انتشار این اسناد در عرصه بین الملل هم توضیح بدهید. همان طور که پیش از این هم عرض کردم، یک کارکرد مستند سازی تاریخی وقایع است، یعنی اینکه نشان می دهد که ما در چه دوره تاریخی ای بر چه محیط جغرافیایی ای تسلط داشته ایم. این خیلی مهم است. وقتی که شما این رساله ها و متون تاریخی را در کنار اسناد تاریخی قرار می دهید، همچنین در کنار نقشه هایی که در سده ۱۷ میلادی به بعد درباره ایران کشیده شده، این ها نشان می دهند که چه بخش هایی به سرزمین ایران متصل بوده و مال ایران بوده. به لحاظ سرزمینی، شما با وجود این رساله ها می توانید مرزهای تاریخی و جغرافیایی ایران را در سده های ۱۶ و ۱۷ میلادی یا ۱۱ و ۱۲ قمری مستند کنید. در کشمکش های بین المللی در حوزه مرزا، همیشه سراغ اسناد می روند، اسناد تاریخی که پیشینه آن سرزمین یا آن خاک یا آن جزیره یا آن مرز را مشخص می کنند؛ این توانستند دنبال پیشینه هستند که ببینند این بخش قبلا متعلق به چه سرزمینی یا چه حکومتی بوده است. در کشور پهنوار ایران، در دوره های مختلف تاریخی، هر حکومتی خودش را موطلف می دانسته که نگهبان همه مرزهای جغرافیایی باشد، جغرافیای ایران.

در دوره صفوی، وقتی که پرتغالی ها هرمز را می گیرند، شاه اسماعیل نسبت به این موضوع اعتراض می کند و آماده می شود برای اینکه زمینه خروج آن ها را فراهم کند، ولی خب با مرگش این کار متوقف می ماند. تا دوره شاه عباس اول، پرتغالی ها نزدیک صد سال در خلیج فارس حضور داشته اند. شاه عباس زمینه ای را فراهم می کند که این جزایر را پس بگیرد، و دیگر سلطه پرتغالی ها در خلیج فارس را نمی بینیم؛ دیگر پرتغالی ها و اهل کشورهای دیگر نمی توانستند بدون اجازه ایران از خاک آن استفاده کنند. این یک قدرت نمایی مشخص است. دیگر ما در خلیج فارس حکومت سرزمینی داریم، درحالی که در جنوب خلیج فارس همچنان بخش های کوچکی هست که گاهی بین اعراب بدوی و پرتغالی ها دست به دست می شوند.

می بینیم که تفاوت بین شمال و جنوب خلیج فارس چقدر مشخص است. اینجا، ما هم داریم از قدرت سرزمینی مان استفاده می کنیم و هم گزارش می دهیم که چطور توانسته ایم یک قدرت استعماری را از خلیج فارس بیرون کنیم؛ یعنی، افزون بر درون حاکمیت که به دنبال بیرون کردن پرتغالی ها از خلیج فارس است، در بدنه مردمی نیز این یک نوع حماسه تلقی می شود، و مردم عادی، براساس رخداد های این جنگ ها و پیروزی ها، شعر سروده اند و برای نسل های آینده خودشان مکتوب کرده اند.

از بخش جنوبی خلیج فارس چنین حماسه هایی در اختیار نداریم. پیشینه یک چنین رساله ای ایرانی ها و حماسه هایی است که آن ها در بازپس گیری سرزمینشان آفریده اند. حالا شما تاریخ این متن را مقایسه بکنید با سرزمین های جنوب خلیج فارس که پیشینه شکل گیری شان در قالب مرزهای سیاسی جدید حدود شصت یا هفتاد سال ممکن است باشد، می بینید که حتی گزارش یک رخداد سیاسی در نقطه ای از ایران سابقه اش از کشورهای تازه تأسیس بیشتر است.